

نامه جامعه
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی
سال سیزدهم - شماره ۱۱۶ - زمستان ۱۳۹۴

بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی علیه السلام

زهرا یوسفیان^۱

چکیده

زنان مسلمان در صدر اسلام تلاش داشتند در عرصه‌های اجتماعی حضور یابند و تاریخ اسلام نیز نمونه‌هایی از این حضور تأثیرگذار را ثبت کرده است. با توجه به حساسیت حضور زنان در جامعه امروز و مسئولیت‌پذیری آنان و شناخت محدوده این حضور اجتماعی، این نوشتار درصدد بررسی حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های گوناگون هم‌چون صحنه‌های سیاسی - نظامی و علمی - فرهنگی در دوران حکومت امام علی علیه السلام در سال‌های سی و پنج تا چهل هجری است. در این نوشتار از منابع تاریخی، روایی و ادبی استفاده و روش تحقیق، تاریخی - تحلیلی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و نرم افزارهای تاریخی، تدوین شده است. اثبات حضور تأثیرگذار اجتماعی زنان در عرصه‌های یاد شده در عصر حکومت امام علی علیه السلام، از دستاوردهای این تحقیق می‌باشد.

کلید واژگان: جامعه، حکومت امام علی علیه السلام، حضور اجتماعی زنان، حضور سیاسی زنان، حضور فرهنگی زنان

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته سطح سه رشته تاریخ اسلام جامعه الزهرا علیه السلام. abmesbahi@yahoo.com

دریافت: ۹۴/۷/۱۰ تأیید: ۹۴/۱۱/۱۴

مقدمه

همراهی و حضور در جامعه به افراد می‌آموزد چگونه توانایی خود را در جهت انجام وظایف اجتماعی توسعه داده و وظایف خود را به خوبی انجام دهد. همراه شدن با افراد جامعه در عرصه‌های اجتماعی دارای ابعاد مختلف می‌باشد که می‌توان حضور در صحنه‌های گوناگونی هم‌چون عرصه سیاسی، علمی، فرهنگی و... نام برد. زنان نیز در جوامع مختلف در برهه‌هایی از زمان در عرصه‌های اجتماعی حضور تأثیرگذار خود را به نمایش گذاشته‌اند. زنان مسلمان نیز در صدر اسلام تلاش داشتند در عرصه‌های اجتماعی حضور پیدا کنند و پیامبر ﷺ به کمک وحی کوشید تا نقش و جایگاه الهی - انسانی زنان را تثبیت کرده و با سیره خود تا حدی زنان را به این باور رساند که آنان نیز دارای حقوق انسانی هستند و می‌توانند با پیشرفت و تعالی خود به این جایگاه برسند. با توجه به حضور فعال زنان امروز جامعه اسلامی ایران، بجاست پیشینه این حضور در عرصه‌های مختلف در دوره‌های رهبران معصوم ﷺ به خصوص زمان حکومت امام علی ﷺ مورد بررسی قرار گیرد تا با حقیقت این حضور و مسئولیت‌پذیری زنان بهتر آشنا شده و محدوده این حضور اجتماعی بیشتر تبیین گردد. هدف از این نوشته آگاهی نسبت به گونه‌های حضور اجتماعی زنان در عصر حاکمیت امام علی ﷺ (حضور مثبت یا منفی)، و آگاهی بخشی و الگودهی به زنان مسلمان در زمینه چارچوب حضور اجتماعی می‌باشد. در مورد پیشینه تحقیق می‌توان به کتاب «نقش زنان شیعی در عصر حکومت امام علی ﷺ» تألیف سید احمد فاضلی بیارجمندی اشاره کرد که چندان به نقش‌های گوناگون زنان در این عصر پرداخته نشده و واژه شیعه نیز می‌بایست بر اساس اصطلاحات آن زمان مفهوم‌شناسی می‌شد. هم‌چنین مقاله «نقش زنان در ماجرای صفین»، نگاشته معصومه ربیان، در شماره ۶ و ۷ مجله بانوان شیعه، سال دوم و سوم است که نویسنده فقط به معرفی هفت تن از زنانی که در این جنگ حضور داشته و به تحریک و تشویق مردانی که در پیکار شرکت داشته‌اند، پرداخته است. به نظر می‌رسد زنان در عصر حکومت امام علی ﷺ در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضور داشته و ممنوعیتی برای آنان نبوده است. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی - تحلیلی است و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای تاریخی، تدوین و آماده شده است. این نوشته، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش که زنان در این دوره در چه عرصه‌هایی حضور داشته‌اند و فعالیت‌های آنان را در دو عرصه نظامی - سیاسی و فرهنگی - علمی در عصر حکومت علوی تبیین می‌کند.

در آغاز مناسب است اشاره کوتاهی به جایگاه زن در دو عصر جاهلی و عرصه‌های حضور زنان در عصر نبوی و نیز خلفای سه‌گانه پس از ایشان داشته باشیم تا بتوان اهمیت حضور زنان را در عصر حکومت علوی را بهتر شناخت.

نگاهی به جایگاه زن در عصر جاهلی

زن در جامعه عصر جاهلی نه تنها از ارزش‌های انسانی و حقوق اجتماعی در زندگی محروم بود؛ بلکه در برخی قبایل وجود دختر، مایه سرافکندگی به شمار می‌رفت. از جمله ظلم‌هایی که در عصر جاهلی در مورد زنان اعمال می‌شد، زنده به گورکردن دختران در آن عصر بود؛ چرا که دختر نمی‌توانست هم‌چون مرد، در میدان جنگ حضور داشته و از قبیله خود دفاع کند و ممکن بود در درگیری‌ها به دست دشمنان افتاده و از آنان فرزند به دنیا آید و مایه ننگ برای قبیله گردد؛ لذا بنا بر صریح آیات قرآن (نحل، ۵۸ و ۵۹؛ زخرف، ۱۷) (مبرد، ج ۲، ص ۶۵ - ۶۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۹۱۶م، ج ۱۳، ص ۱۷۴؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۷) دست به کشتن او می‌زدند. این عادت زشت در میان قبایل تمیم، قیس، هذیل، کنده، بکر و قریش رواج داشت. البته این رسم در میان همه اعراب عمومیت نداشت و برخی از شخصیت‌های بزرگ، با این کار مخالفت می‌کردند. برای مثال عبدالمطلب (آلوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۷)، زیدبن عمرو بن نفیل (محاملی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۸۲) و صعصعة بن ناجیه که دختران را به هنگام زنده به گور کردن پدرانشان از آنان گرفته و نگه‌داری می‌کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۴۶۹؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۱ ص ۲۴۰). نمونه دیگر ظلم به زنان، نداشتن جایگاه انسانی و به ارث بردن او به عنوان یک مال در میان مردم یثرب بود وقتی مردی فوت می‌کرد، پسرش می‌توانست زن پدر را به راحتی تصاحب می‌کند. به گفته مفسران هنگامی که شخصی به نام ابوقیس بن اسلت از دنیا رفت، پسرش تصمیم گرفت طبق رسوم جاهلیت زن او را به ارث ببرد. کار او باعث شد تا زن نزد پیامبر ﷺ رفته و شکایت کند. پس از آن بود که آیه (نساء: ۲۲) نازل شد و آنان را از این عمل نهی کرد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۴ ص ۳۰۵). اگرچه در همان دوران تعدادی از زنان می‌کوشیدند تا با حضور خود در عرصه‌های ارزشی جامعه (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۷؛ طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۰؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۷) یا عرصه‌های ضد ارزشی، جایگاه خود را به اثبات رسانند ولی با توجه به دیدگاه غالب مطرح شده، نمی‌توانستند آن گونه که باید، در جامعه حضور داشته باشند.

عرصه‌های حضور زنان در عصر نبوی

با بعثت نبی اکرم ﷺ ارزش‌های جدیدی بر جامعه حجاز حاکم گشت و تغییراتی بنیادی در فرهنگ، اخلاق، آداب و سنن پدید آمد. یکی از ارزشمندترین پدیده‌های کمال خواهی، مسئله علم و گسترش آموزش بود که در سطح جامعه اسلامی آن روز بدون هیچ تمایزی فراگیر شد. ارزش نهادن پیامبر ﷺ به امرتعلیم به گونه‌ای بود که شفاء، به حفصه همسر پیامبر ﷺ خواندن و نوشتن آموخت و این آموزش به دستور رسول خدا ﷺ انجام شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۶۷؛ بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۴۵۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۶۹؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۳۰۱-۳۰۳). به گواهی متون معتبر تاریخی، آموزش در اسلام تنها منحصر به مردان نبود و رسول خدا ﷺ روز خاصی را به تعلیم زنان اختصاص داده بود (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴). نمونه‌هایی از حضور زنان در عرصه‌های گوناگون در عصر نبوی را می‌توان چنین برشمرد: پیاده کردن روش صحیح زندگی، آموزش و راهنمایی فاطمه (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص ۳)، دفاع او از ولایت و رهبری امام علی (ع) بعد از رحلت پیامبر ﷺ که گویای اندیشه عمیق، علم و دانایی حضرت زهرا (ع) نمونه‌های پررنگی از حضور زنان، در عرصه‌های علمی و فرهنگی بود (ابن طیفور، بی تا، ص ۲۰-۱۲؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۱ق، ج ۱۶، ص ۲۵۲-۲۴۹، ۲۱۱). هم‌چنین ام سلمه، یکی از همسران رسول خدا ﷺ که روایات زیادی را از پیامبر ﷺ نقل کرده است (ابن مبارک، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵؛ صنعانی، بی تا، ج ۱ ص ۱۶۳، ج ۲ ص ۱۵۹؛ حمیدی، ۱۳۸۸ق، ص ۱۳۸؛ ابن ابی‌الدنیا، بی تا، ص ۱۱۱؛ ابن ابی‌عاصم، بی تا، ص ۱۰۰؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۱ ص ۱۰۵؛ ج ۲، ص ۸۲؛ ج ۳، ص ۵۱؛ ج ۴ ص ۱۵۴؛ عقیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳؛ ج ۳، ص ۱۲۵؛ بخاری، بی تا، ج ۱، ص ۴۷؛ ج ۴، ص ۴)، گفت‌وگوی اسماء دختر یزید بن سکن با رسول خدا ﷺ (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷۸۸-۱۷۸۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲ ص ۱۵۳) و زینب عطاره و پرسش او درباره عظمت الهی (صدوق، ۱۳۸۷ق، ص ۲۷۶)، شاهدی دیگر از حضور زنان در این عرصه است. فعالیت اقتصادی زینب دختر جحش، همسر رسول خدا ﷺ (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۸۶-۸۷؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۵۱) و رائطه همسر عبدالله بن مسعود از یاران محدث پیامبر ﷺ و زنی فعال در عرصه اقتصاد خانواده، نمونه‌هایی بر حضور زنان در زمان پیامبر ﷺ در عرصه اقتصادی بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۲۵). در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز می‌توان به جریان هجرت و بیعت با پیامبر ﷺ، شرکت در بیعت عقبه دوم اشاره کرد که از شعور سیاسی و حضور آنان در مسایل مهم جامعه آن دوره حکایت دارد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۰۶-۳۰۳). هم‌چنین زنانی چون دره (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ص ۸،

ص ۴۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۲۷ و ۱۲۸) و ام‌کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴؛ و...) که با مسلمان شدن دست به هجرت زدند. فتح مکه و امان دهی دوزن (ام‌هانی - ام حکیم) حضور تأثیرگذار زنان را در عرصه سیاسی به خوبی نمایان می‌کند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۱۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۹۳۵). حضور زنان در میادین جنگ نیز که به صورت‌های گوناگونی هم‌چون: آب‌رسانی و امداد مجروحان، حمل زخمی‌شدگان (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۲ و ۶۸۵؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۱ و ۹۹؛ طبری، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۳۳؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۳۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۴۷؛ ابن‌اثیر، ج ۶، ص ۲۵۹) و نیز امداد رسانی حضرت فاطمه (ع) در جنگ احد و جلوگیری از خون‌ریزی زخم رسول خدا (ص)، نمونه‌هایی از حضور آنان در عرصه نظامی است (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۰). حماسه رزمی و دفاع نسیبه در جنگ احد، باعث شد که جایگاه ویژه‌ای نزد پیامبر خدا (ص) پیدا کند. (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۶۷)

حضور زنان در عصر خلفای سه‌گانه

با به دست گرفتن خلافت توسط ابوبکر بعد از رحلت رسول خدا (ص)، شیوه‌های حضور زنان در عرصه‌های مختلف آن‌گونه که در زمان رسول خدا (ص) صورت می‌گرفت، دنبال نشد؛ برای مثال حضور زنان در مسئله بیعت که نوعی حضور سیاسی اجتماعی در آن زمان بود. در عرصه‌های فرهنگی - علمی نیز به صورت حضوری کم‌رنگ در تاریخ ثبت شده است؛ برای مثال می‌توان حضور زنان در میدان جنگ را نام برد که مورخین در چند مورد گزارش کرده‌اند. (دینوری، ۱۳۱۷، ص ۱۵۵ و ۱۵۶، طبری، بی‌تا (الف)، ج ۵، ص ۱۷۲۱، ۱۷۲۴، ۱۷۴۷، ج ۴، ص ۱۵۴۲؛ ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ص ۷۲، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۴۵؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۷۱ و ۶۷۲) یا حضور دختر رسول خدا (ص) با اعتراض بر عملکرد خلیفه در جامعه آن روز مشاهده کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱؛ طبری، ص ۱۱۸-۱۰۹؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۳۱-۲۸؛ دینوری، ۱۳۷۴، ص ۲۹؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۱، ج ۶، ص ۱۳، ج ۱۶، ص ۲۴۹، ۲۵۲؛ ابن‌طیفور، بی‌تا، ص ۲۰-۱۲؛ اربلی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۰۹) در زمان خلیفه دوم نیز حضور گم‌رنگ زنان هم‌چنان ادامه یافت و حضور آنان در جامعه به جز موارد خاص و در برخی میادین جنگ (طبری، بی‌تا (الف)، ج ۵، ص ۱۷۵۷-۱۷۵۹)، در کتاب‌های تاریخی گزارش نشده است. این روند تا آن‌جا ادامه داشت که به همسران پیامبر (ص) نیز اجازه رفتن به حج داده نمی‌شد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۳). در زمان خلیفه سوم، حضور کم‌رنگ زنان، در عرصه‌ها ادامه یافت تا زمانی که برخی اقدامات عثمان

باعث ناراضیتی در میان مردم شد که از جمله اعتراض‌کنندگان به سیاست‌های وی، عایشه بود. (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۴۳ و ۴۴؛ ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ص ۳۷۵ و ۳۷۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۱ و ۷۲)

حضور زنان در دوران حکومت امام علی (ع)

با مطالعه در گزارشات تاریخی این نکته به خوبی نمایان می‌شود که روش و سیره رسول خدا (ص) در مورد حضور اجتماعی زنان در زمان خلافت خلفای سه‌گانه ادامه پیدا نکرد و با به حکومت رسیدن امام علی (ع) و تلاش امام برای احیای سیره نبی اکرم (ص) در ابعاد گوناگون، حضور اجتماعی زنان بیشتر شد. عرصه‌های این حضور را می‌توان به سیاسی - نظامی و علمی - فرهنگی تقسیم کرد:

۱. حضور زنان در عرصه سیاسی و نظامی

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اجتماعی، عرصه سیاسی است که با ورود به آن می‌توان ضمن دستیابی به قدرت، به اهداف خود نیز رسید. فعالان سیاسی نمی‌توانند به مقاصد خود برسند، مگر این‌که هنر استفاده از امور سیاسی جامعه را داشته باشند. مردان و برخی از زنان در این میدان به رقابت پرداخته و می‌کوشند تا با سلطه بر امور سیاسی، فضای سیاسی جامعه را به نفع خود یا مقاصد رهبری جامعه رقم زنند. از جمله عرصه‌های حضور زنان در عصر حکومت امام علی (ع) صحنه سیاسی بود که به پشتیبانی از جایگاه رهبری امام، یا در مقابله با امام و به دو گونه حضور در میدان نظامی و غیر نظامی ظهور و بروز پیدا کرد. اینک مصادیقی از این حضور مورد بررسی قرار می‌گیرد:

ام سلمه

ام سلمه همسر رسول خدا (ص) از جمله زنانی بود که هم در عصر نبوی (ص) و هم در زمان امام علی (ع) حضور خوبی را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نمایش گذاشت. بیان روایت حدیث منزلت به منظور تبیین جایگاه بر حق رهبری امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) (ابن‌حیان، ۱۴۱۴، ص ۱۵) و همراهی امام علی (ع) با قرآن (حسنی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۵) از زبان وی را می‌توان شاهی بر حضور او در صحنه سیاسی دانست. ام سلمه پس از نبی اکرم (ص) به خاندان نبوت عشق می‌ورزید و همواره از حریم آنان دفاع

می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ابن ابی العاصم، بی تا، ص ۶۳؛ طبرانی، بی تا (ب)، ج ۲۳، ص ۲۴۹؛ صدوق، ۱۴۰۵، ص ۲۷۱؛ الطبرسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۴۳). صاحب المستدرک حدیثی از ام سلمه با این مضمون که سب علی (ع) همانند سب بر رسول خدا (ص) است، نقل می‌کند که گویای پشتیبانی او از حاکمیت امام علی (ع) و مخالفت با کسانی است که به دشمنی با آن حضرت برخاسته‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۸۲؛ نسایی، بی تا، ص ۹۹؛ الحمیری، بی تا، ص ۲۸؛ ابن عقده الکوفی، بی تا، ص ۳۳؛ نیشابوری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۲۱). این نکته نیز قابل توجه است که دیدگاه زنان پیامبر (ص) به عنوان ام‌المؤمنین در میان مردم، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و آنان می‌توانستند معارف زیادی را از رسول خدا (ص) بازگو نموده و به نسل بعد منتقل کنند. برای مثال می‌توان به سخنان ام سلمه در مکه قبل از فتنه جمل اشاره کرد که گفت: «... ای مردم! شما را به تقوای الهی دعوت می‌کنم. از علی (ع) تبعیت کنید. به خدا قسم، در زمان شما کسی بهتر از او نمی‌شناسم...» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۲۴). نمونه دیگری از فعالیت سیاسی ام سلمه، فرستادن نامه برای امام علی (ع) است که در آن به امام این‌گونه خطاب می‌کند: «اما بعد، بدانند امیرالمؤمنین علی (ع) که طلحه و زبیر و عایشه در مکه جمعیتی ساخته‌اند... و اگر نه آن‌که خدای تعالی زنان پیامبر (ص) را نهی فرموده است از خانه بیرون آیند و رسول خدای (ص) به این مسئله اهتمام داشت، بیرون می‌آمدم... عمر بن ابی سلمه را که فرزند من است به خدمت تو فرستادم... نامه را به پسرش عمر داد و او را به خدمت امام فرستاد. حضرت علی (ع) از حضور عمر بن ابی سلمه یکی از عالمان و راویان احادیث زمان پیامبر (ص) خوشحال شد» (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۳۹۰؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۳۹۹ و ۴۱۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳۰؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۳). این نامه گویای توجه ام سلمه به مسائل جامعه و درک سیاسی او از حوادث اجتماع بود. نمونه دیگر حضور وی را در عرصه سیاسی - اجتماعی می‌توان در پشتیبانی از رهبری جامعه در جواب نامه عایشه دید: «عایشه! تو دروازه‌ای هستی میان رسول خدا (ص) و امت او، قرآن کریم کارهای تو را محدود کرده است... جواب رسول خدا (ص) را چه خواهی داد، در حالی که بر پشت شتری نشسته‌ای... خداوند بینای توست... حجاب را برای خود هم چون دژ محکمی قرار ده تا زمانی که رسول خدا (ص) را دیدار کنی... و السلام» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۸۳-۷۹). گزارش ابن قتیبه به گونه‌ای است که از جایگاه ویژه ام سلمه حتی در میان همسران رسول خدا (ص) حکایت دارد: «... عایشه گفت: ای ام سلمه، قرب تو نزد محمد مصطفی (ص) معلوم است... هدایایی که به جهت پیغمبر (ص) می‌آوردند به خانه تو فرستاده و نصیب هر یک از ما

از خانه تو تقسیم می‌شد... عزیمت آن دارم که از جهت اصلاح ذات البین بدان جانب روم، تو را باید که با من موافقت نمایی... ام سلمه گفت: من تعجب می‌کنم که تو خون عثمان طلب می‌کنی. مگر نه تو مردمان را برکشتن او تحریک می‌نمودی، ... اکنون این چه کاری است که پیش گرفته و بر علی بن ابی طالب (ع) که پسر عم رسول خداست، بیرون می‌آیی... عایشه گفت: علی را چه رسد به اینکه بر ما مسلط شود...» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۷۳). ابن اعثم گفت وگویی دو همسر رسول خدا (ص) را مفصل‌تر در کتاب خود گزارش می‌کند که حکایتگر حضور عبدالله بن زبیر در این دیدار است: «اگر تو نشنیده‌ای، خاله تو این‌جا حاضر است از او پرس تا با تو بگوید که آیا رسول خدا (ص) در حق علی (ع) نگفته است که علی خلیفه من است... از خدای تعالی بترس و از آن کلمه‌ای که مصطفی (ص) خبر داده، حذر کن... ای عایشه! زنه‌ار که آن زن نباشی که سگان حوآب در روی او بانگ کنند... عایشه آزاده‌خاطر از نزد ام سلمه بیرون شد...» (ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۴۱۰-۳۹۹). نصایح ام سلمه به عایشه و یادآوری سخنان پیامبر (ص) درباره علی (ع)، جلوه دیگری از ولایت امیرمؤمنان (ع) در سراسر وجود این بانوی بزرگ است (مفید، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۳). حساسیت ام سلمه تا جایی بود که نه تنها از امام علی (ع) پشتیبانی می‌کرد؛ بلکه از شیعیان و پیروان امام نیز دفاع می‌کرد: «... در مورد شیعه علی (ع) چه می‌گویید در حالی که شیعه علی (ع) در روز قیامت رستگار و نجات یافته‌اند» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۰۵). طبرانی در کتاب خود، ۵۱۸ تن از راویانی که از ام سلمه درباره موارد مختلف از احکام فقهی، احوال رسول خدا (ص) و طهارت اهل بیت (ع) روایت کرده‌اند، ذکر می‌کند. (طبرانی، بی تا، ج ۲۳، ص ۴۲۱-۲۴۸)

عایشه

عایشه از جمله زنان پیامبر (ص) است که در صحنه‌های سیاسی- نظامی در دوران حکومت امام علی (ع) حضور داشته و «همان آغاز حاکمیت امام، به مخالفت با آن حضرت برخاست و در شمار یکی از برپاکندگان اصلی جنگ جمل قرار گرفت. وقتی خبر بیعت مردم با امام علی (ع) به عایشه رسید، وی خارج از مدینه بود. به عایشه گفتند: «عثمان کشته شد و مردم با علی (ع) بیعت کردند». عایشه گفت: «... به خدا سوگند، عثمان مظلومانه کشته شد. من خواهان خون او هستم». عبید در پاسخ عایشه گفت: «تو اولین کسی بودی که عثمان را سرزنش می‌کردی تا جایی که در مورد او گفتی: بکشید نعل را که گناهکار است». عایشه گفت: «به خدا سوگند، من

گفته‌ام... پایان سخن من از آغاز آن بهتر است» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۷۹). پافشاری عایشه بر ادامه مخالفت با رهبری امام علی (ع) در جواب ام سلمه، به حضور فعال او در عرصه سیاسی- اجتماعی اشاره دارد: «چه نیکو نصیحتی، راه من آن نیست که تو گمان کرده‌ای... اگر برکاری توانا باشم انجام می‌دهم و اگر برایم مقدور باشد، از ثروت خود در این راه می‌گذارم. والسلام» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۷۹). یعقوبی جواب نامه ام سلمه به عایشه را سرزنش آمیز نقل می‌کند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۸؛ ابن طیفور، بی تا، ص ۷۹ و ۸۰). ابن قتیبه لحن گفتگوی ام سلمه با عایشه را پرخاشگرانه تر گزارش می‌کند (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۸۳). «حضور عایشه قبل از شروع جنگ جمل تا آن حد تأثیرگذار بود که در نزاع‌های لفظی میان طلحه و زبیر و فرزندان آنان برای امامت نماز در راه، عایشه را به پا در میانی میان آنان می‌کشاند: «میان طلحه و زبیر نزاعی در گرفت... تا وقت نماز از دست رفت و مردم فریاد زدند: نماز. پس عایشه گفت: روزی محمد بن طلحه و روزی عبدالله بن زبیر نماز بخوانند...» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۲۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۸۷-۸۲). طبری حل اختلاف میان طلحه و زبیر را توسط عایشه و بهره‌برداری مروان از این دوگانگی پیش آمده بین آنان را این گونه نقل می‌کند: «هنگامی که مروان از مکه برون شد، اذان گفت. آنگاه پیامد و پیش طلحه و زبیر ایستاد و گفت: به کدامتان به عنوان خلیفه سلام کنم و به نام وی اذان گویم؟ عبد الله بن زبیر گفت: به ابو عبدالله. محمد بن طلحه گفت: به ابو محمد. عایشه کس پیش مروان فرستاد و گفت: چه می‌کنی؟ می‌خواهی در کار ما تفرقه افکنی؟ خواهرزاده من پیشوای نماز شود؟» (طبری، بی تا، ج ۶، ص ۲۳۶۲) این نکته قابل توجه است که بعد از نبرد جمل، عایشه از حضور در این جنگ خود را سرزنش می‌کرد: «...گاهی می‌گفت: کاش پس از آن که به بصره می‌شدم، بیست سال پیش مرده بودم...» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۸۱؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ طبری، بی تا، ج ۶، ص ۲۴۷۸؛ ابن اثیر، ۱۳۱۰، ج ۱، ص ۱۰). عبدالرحمن بن عتاب بن اسید پشیمانی عایشه را چنین نقل می‌کند: «اگر در خانه می‌نشستم و به جنگ جمل نمی‌رفتم برای من بهتر از این بود که از رسول خدا (ص) ده پسر به خوبی و عقل عبدالرحمن بن حارث می‌داشتم». (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۸۴)

میمونه

میمونه آخرین همسر پیامبر (ص) بود که رسول خدا (ص) در سال هفتم در عمره القضاء در منطقه سرف (مکانی در شش مایلی مکه) با او ازدواج کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱۸؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص

۷۳۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۰ و ۱۳۵). او به یکی از خواهران مؤمنه در تاریخ صدر اسلام مشهور شد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۷۳۸). نقش هدایتی او برای فردی که نمی‌توانست تشخیص دهد در فتنه جمل حق با کدام طرف است، قابل توجه بوده و گویای حضور همسران رسول خدا ﷺ در عرصه سیاسی دوران حکومت امام علی ؑ است: «شخصی در مدینه به در خانه میمونه رفت. میمونه از او پرسید: از کجا می‌آیی؟ گفت: از کوفه. گفت از کدام قبیله‌ای؟ جواب داد: از قبیله ی بنی عامر هستم. میمونه سؤال کرد: برای چه آمدی؟ گفت: چون فتنه مردم را دیدم، ترسیدم همراه شوم. میمونه گفت: آیا با علی ؑ بیعت کرده‌ای؟ گفت: آری. همسر پیامبر ﷺ به او گفت: برگرد و از صف علی ؑ جدا شو، به خدا قسم هر که با او باشد گمراه نخواهد شد و این جمله را سه بار تکرار کرد» (طبرانی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۱۰). با نگاهی دقیق به این گزارش تاریخی می‌توان به دو نکته اساسی و مهم که میمونه به آن اشاره کرده، دست پیدا کرد: اولاً میمونه از آن شخص می‌پرسد با علی بیعت کرده‌ای؟ چرا که بیعت از مباحث مهم سیاسی بوده که در زمان پیامبر ﷺ و بعد از رحلت ایشان بر آن بسیار تأکید می‌شد؛ به گونه‌ای که اگر کسی با خلیفه بیعت می‌کرد مسئولیتی بر دوش او قرار می‌گرفت و شخص باید پاسخگوی این تعهد اجتماعی می‌بود و ثانیاً با چه کسی باید بیعت کرد، گوشزد کردن یک مطلب مهم که تداعی حدیث پیامبر ﷺ است که فرمود که علی ؑ با حق است. حق با علی ؑ است، از صف علی جدا نشو یعنی هر که با علی باشد، گمراه نخواهد شد. این گفتگو نشان‌دهنده آشنایی میمونه با وضعیت و بحران‌های سیاسی جامعه‌اش بوده و این‌که چگونه کسانی را که در تشخیص حق از باطل دچار مشکل شده‌اند، به درستی به مسیر و انتخاب حق، هدایت و راهنمایی کرده و آنان را از تردید و ابهام دور می‌ساخت.

اسماء بنت عمیس

اسماء بنت عمیس از جمله زنانی است که در عصر نبوی ﷺ در عرصه فرهنگی (ابن عقیله الکوفی، بی‌تا، ص ۴۰) با نقل احادیث از رسول خدا ﷺ در آگاهی بخشی به مردم و در عرصه سیاسی با هجرت به حبشه با همراهی همسرش جعفر بن ابی طالب (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۷) در تغییر معادلات سیاسی آن زمان تأثیرگذار بود. گفتگوی او با عمر در ارتباط با هجرت و جواب خواستن از رسول خدا ﷺ شنیدنی است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۱۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۹۲۳؛ ابن اثیر،

۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۵). گزارش‌ها او را نیز در شمار خواهران مؤمنه قرار داده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۶۱). اسماء یکی از زنانی است که با نقل روایت (الذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۷) و شأن نزول آیه «أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» (ابن کرامه، ۱۴۲۰، ص ۶۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۰) از حاکمیت حضرت علی (ع) دفاع می‌کرد. شنیدن خبر شهادت فرزندش، محمد بن ابی بکر و صبرکردن او بر این مصیبت با رفتن به مسجد، توجه مورخین را به خود جلب کرده است. (ثقفی، ۱۳۵۳، ص ۱۵۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۲۳۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۴)

ام الفضل دختر حارث

ام الفضل دختر حارث، دومین زن مسلمان یا سومین زنی بود که بعد از حضرت خدیجه (ع) اسلام آورد. وی از دیگر زنانی است که در دوره رسول خدا (ص) با پیشگامی در تشخیص حق و جسارت در اقدام پذیرش آن، بر خلاف جریان غالب زمان حرکت کرده و در عصر حکومت امام علی (ع) در حمایت از ولایت و رهبری امام در عرصه سیاسی، حضور خود را به نمایش گذارد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۱۷؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴۶؛ طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۶۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۹۷). زمانی که طلحه و زبیر به همراهی عایشه به سوی بصره حرکت کردند، ام الفضل احساس خطر کرده و نامه‌ای با این محتوا برای امام علی (ع) فرستاد: «... بدانند امیرالمؤمنین که طلحه، زبیر و عایشه عزیمت بصره دارند و مردم را بر جنگ با تو تشویق کرده ... خدای تعالی یار تو است و تو بر حقی ... و السلام». وی نامه را به همراه صد دینار به شخصی به نام ظفر داده و به او گفت: «تلاش کن تا هر چه زودتر به خدمت امیرالمؤمنین علی (ع) برسی و این نامه بدو رسانی» (طبری، بی‌تا (الف)، ج ۶، ص ۲۳۵۸؛ ابن اعثم، ۱۳۷۲، ۴۱۰ و ۴۱۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۸). نامه ام الفضل به امام علی (ع) حکایتگر شعور بالای سیاسی وی با دنبال کردن حوادث سیاسی جامعه و تلاش برای رساندن هر چه سریع‌تر نامه به امام، بیانگر دغدغه فکری و نگرانی او در باب حاکمیت امام و خدشه دار شدن موقعیت رهبری مسلمانان است.

ام الخیر البارقیه

ام الخیر دختر حریش بن سراقه از دیگر زنانی است که در حکومت امام علی (ع) در عرصه سیاسی - نظامی حضور فعالی داشت و به همین علت بعد از شهادت امام، به دربار معاویه در شام

فرا خوانده شد (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۳۲ - ۲۷). ام‌الخیر از جمله افرادی است که قلبش پر از محبت اهل بیت علیهم‌السلام بود. حضور او در پیکار صفین و تشویق سپاه امام با سرودن شعرهای حماسی، نشان از زبان فصیح این زن دارد: «با روی گرداندن از جبهه امام علی علیه‌السلام به کجا می‌روید. از امیرالمؤمنین فرار می‌کنید یا از جنگ...». ام‌الخیر با اشعار خود یادآور بیعتی بود که مردم بر گردن داشتند و باید تا پای جان بر این بیعت بمانند. مناجات او با خدا در اوج درگیری دو سپاه، نشان از نگرانی این زن شجاع دارد: «خداوند! صبر و شکیبایی کم شده... ای پروردگار! زمام دل‌ها به دست توست...» و در ادامه با مخاطب قرار دادن سپاه حاضر در میدان، چنین می‌سراید: «از اسلام روی گردانید و یا از حق برگشته‌اید... شما به کجا می‌روید... به سوی امام عادل، وصی با وفا و صدیق اکبر بشتابید که این جنگ بر اساس کینه‌های بدر، احد و جاهلیت است...» (ابن طیفور، بی‌تا، ص ۳۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۵۵؛ الحسنی، ۱۳۷۱، ص ۲۸). این بینش یک زن آگاه است که به مردان در نبرد هشدار می‌دهد پشت کردن به جبهه علی علیه‌السلام، مساوی با از اسلام برگشتن و روی برگردن از حق است. دفاع ام‌الخیر و برشمردن فضایل امام علی علیه‌السلام در برابر معاویه حاکی از رشد آگاهی زنان در عصر حکومت امام علی علیه‌السلام دارد.

ام‌سنان

ام‌سنان از دیگر زنانی است که در زمان حکومت امام علی علیه‌السلام در صحنه‌های سیاسی - نظامی حاضر بود و پس از شهادت امام، هم‌چنان در برابر معاویه با شجاعت ایستاد و با کمال شهامت، یادآور عدالت حکومت امام علی علیه‌السلام در کاخ معاویه شد (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۲۶ - ۲۳) «ام‌سنان از مدینه به شام به سرای معاویه رفت تا از کارگزار او به خاطر کوتاهی و ظلمش شکایت کند. پس از ورود به کاخ، معاویه او را پیش خود فرا خواند. ام‌سنان سلام گفت و بنشست. معاویه گفت: ای ام‌سنان! به چه مهم رنجه شده‌ای و از مدینه به شام آمده‌ای؟ مرا آن سخن‌های زشت و دشنام‌های ناخوش که روز جنگ صفین اهل شام را می‌دادی و تحریض‌هایی که قوم خود را بر جنگ ما می‌کردی فراموش نشده... ام‌سنان با دلیری تمام گفت: بله، این بیت‌ها را من گفته‌ام و اگر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام زنده بود، ما هرگز تو را نمی‌دیدیم؛ چه من او را از جان خویشان دوست‌تر داشته‌ام و نمی‌توان که صفات علی علیه‌السلام را از هزار یکی بیان نمود. یکی از صفات‌های علی علیه‌السلام این بود که در حق امت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌و... مهربان بود... من نوبتی از برای انجام کاری نزد او رفتم، بر

مصلی ایستاده بود. چون مرا دید، نماز را شروع نکرد و گفت: ای ام‌سنان! حاجت داری؟ گفتم: بله یا ابوالحسن! سپس حاجت خود بیان کردم که عامل صدقات زور می‌کند، امیرالمؤمنین بر سر مصلی دوات و قلم و کاغذ طلب نمود و تهدید نامه‌ای بدو نوشت و آن نامه را سر به مهر به من داد و عذر خواست و بعد روی به سوی آسمان کرد و گفت: بار خدایا! تو بر من گواهی که من آن عامل را به ظلم نفرستادم و بر ظلم او راضی نبوده‌ام. پس خرجی راه به من عنایت فرمود. من به نزد آن عامل آمدم و نامه را دادم. برخواند و همان ساعت از سر ظلم باز آمد و مرا خوشدل ساخت...» (ابن‌اعثم، ۱۳۷۲ق، ص ۵۵۴-۵۴۰؛ ابن‌ابی‌طیفور، بی‌تا، ص ۶۳ و ۶۴) توصیه ام‌سنان به معاویه در این دیدار مبنی بر عدم استفاده از افراد چابلوس که اطراف او بودند، بیانگر اندیشه سیاسی او در باب حاکمیت جامعه است: «اما در خدمت تو از این نوع خدمتکارانند که به هر وقت در غیبت و حضور از این کلمات می‌گویند و دل تو را با ما بد می‌کنند...» (ابن‌عبدربه، ۱۴۱۲، ص ۳۰۵-۳۴۹؛ ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ص ۵۵۳-۵۵۰). توجه ام‌سنان در مسائل سیاسی جامعه و درخواست برکناری کارگزار معاویه در مدینه، شاهدی دیگر بر دنبال کردن مسائل جاری اجتماع توسط یک زن مسلمان تربیت شده دوران حاکمیت امام علی (ع) و درک و شعور سیاسی او می‌باشد؛ به گونه‌ای که در برابر حاکم می‌ایستد و به جرئت از او تغییر کارگزارش را می‌طلبد و در برابر معاویه از علی بن ابی‌طالب (ع) و ویژگی‌های انسانی او به ویژه عدالتش سخن به میان می‌آورد و تصویری از حکومت علی (ع) و توجه حضرت به افراد جامعه و کارگزارانش و اهمیتی که برای این مهم قائل بوده به معاویه و افراد چابلوسی که در خدمت او بودند، ارائه می‌دهد و آنگاه آن را با حاکمیت معاویه و ظلمی که به او شده و مقایسه می‌کند و تلویحاً به تحقیر او می‌پردازد.

زرقاء

زرقاء بنت عدی، نمونه دیگری از زنان تربیت شده و حاضر در صحنه‌های سیاسی- نظامی دوران حکومت امام علی (ع) بود که در جنگ صفین، مردان قبیله خود (همدان) را بر ادامه نبرد علیه سپاه معاویه تشویق می‌کرد؛ به گونه‌ای که سخنان او همچون پتکی سنگین بر گوش معاویه فرود آمد و باعث شد بعد از به حکومت رسیدن، او را به شام فرا خواند (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۶۶-۶۳). وقتی معاویه وی را سرزنش کرد، زرقاء آن را سعادتی بزرگ برشمرد: «... ای معاویه! کدام خوشبختی از این بزرگتر که من با علی مرتضی (ع) در آن چه انجام داده، شریک باشم و از ثواب

در آن سرای مرا نصیبی باشد» محبت و ابراز علاقه زرقاء از رهبری امام علی (ع) تا آنجا بود که معاویه را به تعجب واداشت: «معاویه گفت: مرا شگفت می‌آید که بعد از وفات علی، وفای شما را در محبت او به زیادت می‌بینم. زرقاء گفت: سوگند به خدای که هنوز دوستی ما را با علی (ع) اندازه ندانسته‌ای» (ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ص ۵۷۵؛ ابن‌ابی‌طیفور، بی‌تا، ص ۳۴ - ۳۲)

دارمیه حجونیه

دارمیه حجونیه، زنی با فصاحت و قدرت احتجاج علیه مخالفین (ابن‌عبدربه، ۱۴۱۲، ص ۳۵۳ - ۳۵۲؛ ابن‌طیفور، بی‌تا، ص ۷۳ - ۷۲) و از جمله زنانی بود که در فراخوانی معاویه به شام، اعتقاد خود را نسبت به ولایت امام علی (ع) ثابت کرد و با کمال شهامت به دفاع از رهبری حضرت علی (ع) برخاست. وقتی معاویه او را به دربار خود فرا خواند، از او پرسید به چه دلیل علی را دوست داری و با من به دشمنی می‌پردازی؟ دارمیه در جواب گفت: «علی را به سبب عدلش نسبت به رعیت دوست دارم و این‌که بیت‌المال را مساوی تقسیم می‌نمود. تو را دشمن می‌دارم؛ زیرا با علی جنگ کردی در امری که او بر تو برتر بود و چیزی را طلب کردی که در آن حقی نداشتی...». در ادامه به دیگر صفات خوب امام و ویژگی‌های حکومتداری و رهبری او اشاره می‌کند: «علی را دوست دارم... او دوستدار مساکین بود و اهل علم را دوست می‌داشت...» و رفتار ناپسند حاکمان نامشروع را این‌گونه بیان می‌کند: «تو را دشمن می‌دارم؛ زیرا خون مردم را به ناحق ریختی و به ستم قضاوت کردی. به خدا قسم وی را دیدم که قدرتی که تو را فریفته است، او را فریب نداد...» (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۴۰ - ۴۳؛ ابن‌دمشقی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۴۲؛ سید محسن امین، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۶۴) شاید این مسئله به ذهن خواننده خطور کند که این گزارش چگونه می‌تواند حضور دارمیه را در صحنه سیاسی در عصر امام (ع) ثابت کند. در پاسخ باید گفت اگر فردی در متن مسایل سیاسی جامعه قرار نداشته نباشد و عملکرد زمامدار جامعه اسلامی را دنبال نکند و از رویدادهای اجتماعی آگاهی کاملی نداشته باشد، چگونه می‌تواند در برابر حاکمی همچون معاویه بایستد و بگوید یک حاکم اسلامی نباید از روی هوی و هوس و به ستم حکم کند و خون مردم را به ناحق بریزد و قدرت و ریاست او را بفریبد.

زنان محافظ

نمونه دیگر تاریخی که می‌توان شاهی بر حضور زنان در عرصه سیاسی - نظامی دانست، همراهی تعدادی از زنان بصره برای بردن عایشه به مدینه بود که به دستور امام علی (ع) بعد از پایان جنگ جمل صورت گرفت: «علی چهل زن را به همراه عایشه فرستاد و به آنان فرمان داده بود که عمامه بر سر کنند و بر خود شمشیر ببندند و نگذارند کسی از کار آنان آگاه گردد. گویند عایشه در راه چنین می‌گفت: حساب علی بن ابی طالب با خداست، او مردانی را به همراه من فرستاده است. وقتی که به مدینه رسیدند و زنان عمامه خود را از سر برداشتند. عایشه با دیدن آنان گفت: خداوند بهشت را نصیب علی بن ابی طالب گرداند» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸۷ و ۱۸۱؛ یعقوبی عقیده دارد امام هفتاد زن به همراه عایشه فرستاد). این گزارش بیانگر آن است که زنانی که در این سفر به همراه عایشه بودند، از زنان معمولی نبوده‌اند و باید دوره‌های ویژه‌ای برای سوارکاری و چگونگی استفاده از ادوات جنگی آن زمان می‌دیدند؛ چرا که این سفر یک سفر عادی نبود و زنان به قدری نقش خود را در لباس مردان محافظ مسلح خوب ایفا کردند که در برخی گزارش‌ها عایشه تا نیمه راه (ابن اعثم، ۱۳۷۲، ص ۴۴۰-۴۴۱) و در برخی نقل‌های تاریخی، تا رسیدن به مدینه این نکته را متوجه نشده بود که محافظان او همه زن هستند و برای پیشگیری از برخی تعرضات بدخواهان، در نقش مرد مسئولیت خود را انجام می‌دهند.

لیلی الغفاریه

لیلی غفاریه، یکی از زنان شجاع و صحابی رسول خدا (ص)، از جمله زنان حاضر در صحنه‌های سیاسی - نظامی در حکومت امام علی (ع) بود که کوشید تا جایگاه و مقام رهبری امام را بر دیگر افراد یادآور شده و این مقام را تثبیت کند: «من در جنگ‌ها به همراه پیامبر (ص) شرکت می‌کردم و به مداوی مجروحان جنگ می‌پرداختم و زمانی که علی (ع) به طرف بصره حرکت کرد، با او همراه شدم. وقتی به عایشه برخوردم، به او گفتم: آیا از رسول خدا (ص) درباره فضیلت علی چیزی شنیده‌ای؟ عایشه گفت: بلی، علی بر پیامبر (ص) وارد شد، در حالی که رسول خدا (ص) نزد من بود و علی میان ما نشست» (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۰۷). به او گفتم جایی وسیع‌تر از این جا پیدا نکردی؟ پیامبر (ص) فرمود: ای عایشه! برادرم را برایم آزاد بگذار. او اولین کسی است که ایمان آورد» (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۴۴). این مرد از محبوب‌ترین و بهترین مردان در نزد من است» (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج

۴، ص ۴۰۳). نمونه‌های دیگری از حضور فعال زنان همچون عکرشه بنت الاطش (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۳۹؛ ابن طیفور، بی‌تا، ص ۷۲ و ۷۳؛ ابن عبدربه، ۱۴۱۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۲)، ام‌البراء بنت صفوان (ضبی ۱۴۰۳، ص ۴۴-۴۶) و ... در عرصه سیاسی - نظامی در زمان حکومت امام علی (ع) را می‌توان مشاهده کرد که بعد از به قدرت رسیدن معاویه به فراخوانی آنان به شام منجر شد. گفت‌وگوی این زنان، نوع مجادلات، جرئت و قدرت انتقاد از سویی و ملاحظه‌ها و احتیاط‌های معاویه نسبت به ایشان، حضور اجتماعی - سیاسی زنان و مشارکت آنان را در امور مهم می‌رساند. (آئینه‌وند، ۱۳۸۳، ص ۹)

ب. حضور زنان در عرصه علمی - فرهنگی

یکی از عرصه‌های حضور زنان در عصر علوی، عرصه فرهنگ و علم و دانش بود که برخی از آنان نهایت تلاش خود را در این راستا به‌کار گرفتند.

فرهنگ مجموعه‌ای از آداب، سنن، هنجارها و ناهنجاری‌ها و رفتارها اجتماعی است که شامل مواردی هم‌چون تبیین مبانی دینی، فراگیری علم، اشعار و سروده‌ها، بیان احادیث و ... می‌شود. با مطالعه در گزارشات تاریخی دوران حکومت امام علی (ع) حضور زنان در عرصه فرهنگی به صورت سرودن شعر، نقل روایت و حدیث ظهور و بروز پیدا کرد.

حضرت زینب (ع)

یکی از زنان حاضر در عرصه‌های مختلف اجتماعی در حکومت امام علی (ع)، حضرت زینب (ع) بود که یکی از راویان حدیث به شمار می‌آمد. حضرت زینب (ع) از مادر، پدر، برادر، ام‌سلمه و ام‌هانی روایت نقل می‌کرد. آن حضرت در حالی به عنوان یکی از راویان خطبه فدکیه به شمار می‌آمده است که در سن ۵ یا ۶ سالگی مضامین بلند سخنان مادرش حضرت زهرا (ع) را برای دیگران نقل کرده است. ابن‌عباس سخنان حضرت فاطمه (ع) را در مورد فدک، از قول حضرت زینب (ع) با عنوان عقيلتنا (بزرگ و گرامی قوم ما) (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۶؛ احمدبن فارس زکریا، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۲). زینب بنت علی (ع) نقل کرده است. (ابوالفرج، ۱۳۸۵، ص ۶۰؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۶۷؛ خوارزمی، ۱۴۱۴، ص ۳۵۶). ابن حجر می‌نویسد: «زینب مجسمه شجاعت و شهامت بود. روحی قوی و همتی بلند، منطقی پایدار و قدرت بیانی فوق‌العاده داشت. دلیل و برهان او حیرت مورخان را برانگیخته است». فصاحت و بلاغت او در خطبه‌ها و سخنان او نمودار بود

(ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۶۶). حضور او در جریان عاشورا و خواندن خطبه بعد از واقعه کربلا، به ویژه جرئت و جسارت او در برابر یزید هنگامی که مرد شامی فاطمه (ع)، دختر امام حسین (ع) را به عنوان کنیز طلب کرد، بلندی عقل و قوت شجاعتش دلالت دارد. (صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۲۹؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۳۲) ویژگی‌های فردی و رفتارهای شخصی حضرت زینب (ع) در فعالیت‌های اجتماعی، بیانگر آن است که آن حضرت در مسیر زندگی، بهترین اندیشه و گفتار و رفتار را در فرایند هدایت انسان‌پروری و تاریخ‌سازی انتخاب کرد. تأثیر کلام او در مخاطبین در بازگشت به کوفه، بعد از واقعه عاشورا به گونه‌ای بود که همه را جذب و وادار به سکوت کرده و تحسین همگان را برانگیخت (طبرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۱؛ مفید، بی‌تا، ص ۳۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۹۲) هنر حضرت زینب (ع) در تدابیرش، آگاه ساختن افراد جاهل، غیرتمند کردن عناصر آگاه ولی بی‌تفاوت، به انزوا کشاندن و در انفعال قراردادن مخالفان آنها بود. آن حضرت در خطابه‌های خود با بی‌اعتنایی به دشمن و حقیر شمردن او و مقابله با رواج اندیشه جبرگرایی - که از زمان معاویه شروع شده و با برنامه هماهنگ یزید و عبیدالله ادامه یافت، تا جایی که فاجعه کشته شدن پاک‌ترین انسان‌ها را به خواست خدا پیوند زده و این‌گونه خود را در برابر مردم تبرئه می‌کردند - مبارزه کرد (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۷، ص ۲۲۹؛ مفید، بی‌تا، ص ۳۲۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۸۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۹۳). چنین بود که حضرت زینب (ع) در کنار امام سجاد (ع) با خردمندی تمام، حادثه کربلا را در جریان واقعیت‌ها و حقیقت‌ها به حرکت انداخت و آن را یک پدیده‌ای منحصر به فرد در طول تاریخ بشریت قرار داد.

سروده‌ها و اشعار، به ویژه شعرهای حماسی، بخش بزرگی از فرهنگ جامعه عرب را در بر می‌گرفت، به طوری که در عصر جاهلیت امتیاز بزرگ عرب مهارت آنان در شعر و خطابه بود؛ به طوری که به مرحله شکوفایی رسیده بود. سرایندهگان بزرگ عرب در بازارهای موسمی نظیر عکاظ، ذی المجاز و... (آلوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۰-۲۶۴) اشعار برگزیده و عالی‌ترین آثار ادبی خود را عرضه کرده‌اند. از آن‌جا که سروده‌های برتر، مایه فخر و بزرگی شاعر و قبیله‌اش به شمار می‌آمد؛ برخی از زنان با استعداد نیز، در این وادی قدم گذارده و به سرودن شعر می‌پرداختند. این روند در برخی از دوره‌ها پس از اسلام هم ادامه داشت تا جایی که برخی زنان تربیت‌شده دوره علوی نیز از این فرصت استفاده کرده، اعتقادات و اندیشه‌های خود را در قالب سروده بیان می‌کردند که می‌توان به زنان توانمندی همچون زرقاء، بکاره هلالیه و... اشاره کرد.

زرقاء

زرقاء نمونه‌ای از زنان شجاع و با شهامت در عرصه فرهنگ بود که با اشعار حماسی، حضور اجتماعی خود را در تاریخ به یادگار گذاشت. سروده‌های او حکایتگر آشنایی زرقاء با ادبیات زمانه است: «ای مردان حرب و سواران طعن و ضرب و شیران...، بر این جنگ سخت صبر کنید و ثابت قدم باشید؛ این نه جنگی است که در آن افتاده‌اید، بل بلایی است که بدان گرفتار شده‌اید... ای مهاجر و انصار، صبر صبر، از جان مترسید و از مرگ نهراسید. این جهان پایدار نماند و بر کس استوار نگردد...» (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۶۳-۶۶).

سوده همدانی

از دیگر زنان حاضر در صحنه علمی - فرهنگی، سوده همدانی است که از زنان شاعر عرب و دارای فصاحت و بیان بود. زنی که با شعرهایش به هدایتگری در ارتباط با رهبری جامعه چنین سرود: «... و علی و حسین و قوم او را یاری ده و برهند و پسرش برای خوار کردن آنان بتاز، این امام که برادر محمد ﷺ پیامبر خداست، پرچم هدایت و منار ایمان است». او در پاسخ به سؤال معاویه مبنی بر این که چه چیزی تو را به این کار برانگیخت، قاطعانه گفت: «... دوستی علی علیه السلام و پیروی حق مرا به سرودن اشعار واداشت» و زمانی که مورد تهدید معاویه قرار گرفت، ساعتی سر بر زمین گذاشت و با خدا مناجات کرد، سپس سر برداشت و چنین سرود: «درو خداوند بر روحی که قبر او را در بر گرفت و عدل هم با او مدفون شد...» معاویه به او گفت: این فرد کیست؟ و سوده چنین پاسخ داد: «... به خدا امیرمؤمنان علی بن ابی طالب بود...» (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۷۰-۶۲؛ ابن طیفور، بی تا، ص ۳۰؛ ابن طلحه، بی تا، ص ۱۸۱)

بکاره هلالیه

بکاره هلالیه به شجاعت، فصاحت، شعر و خطابه مشهور بود. او با شعرهای حماسی خود در جنگ صفین، حضور تأثیرگذار خود را در دو عرصه سیاسی و فرهنگی در تاریخ به نمایش گذارد؛ زنی که با سرودهای خود، مردان جنگی را تشویق می‌کرد. زمانی که به دربار معاویه آمده بود، عمروعاص اشعار او را در ارتباط با حاکمیت غیرقانونی معاویه یاد آور شد: «... آیا پسر هند را مالک خلافت می‌دانی، هرگز چنین نیست... پس بدبختانه بازگرد؛ زیرا همای سعادت بر سر علی علیه السلام

نشسته است...». سعید از دیگر مزدوران اموی که در جلسه حضور داشت، گفت: «آری، همان زن است که در شعر خود می‌گفت: آرزو داشتم بمیرم و سخنگو و خطیبی از بنی امیه در بالای منبر بنینم...». بکاره با کمال شجاعت گفت: «ای امیرالمؤمنین! سگ‌های دربارت پارس می‌کنند... به خدا سوگند من گوینده این سخنانم و هرگز تکذیب نمی‌کنم. تو نیز هر چه خواهی بکن که دیگر زندگانی پس از امیرالمؤمنین علی (ع) صفایی ندارد» (ضبی ۱۴۰۳، ص ۴۰-۴۳؛ ابن طیفور، بی‌تا، ص ۳۵ و ۳۶؛ همدانی، ۱۴۱۹، ص ۸۶۷). داستان ملاقات این زنان با معاویه و دفاع آنان از امام علی (ع) با سروده‌های آتشین به گونه‌ای است که معاویه به دانش، آگاهی در امور، جرئت و وفاداریشان نسبت به امامشان اقرار می‌کند: «.. هر آینه علی بن ابی‌طالب شما را آگاه به دین تربیت به گونه‌ای شما را در فهم مسائل دینی و اجتماعی توانمند کرده که به هیچ وجه ستم و بی‌عدالتی را تحمل نمی‌کنید» (ضبی، ۱۴۰۳، ص ۷۰-۶۲). از سخن معاویه می‌توان به این نکته پی برد که حضور زنان در این عرصه‌ها با چنین درک و شعور سیاسی و فرهنگی بالا، در سایه تربیت امام علی (ع) بوده و امام هیچ ممنوعیتی بر این حضورها ایجاد نمی‌کرده است. از جمله زنانی که در عرصه فرهنگی در دوران حکومت امام علی (ع) با سروده‌های خود پیام‌رسان خون شهدا بودند و یاد آنان را با اشعار خود زنده نگه داشتند، ضبیعه دختر خزیمه و امینه زنی از انصار بود. امینه زنی در سوگ مالک چنین گفت: «از امروز که مالک، آن پشتوانه دلیر کشته شد، دیگر طعم خواب و آسودگی را نچشم...» (منقری، ۱۳۷۰، ص ۵۰۱) ضبیعه دختر خزیمه بن ثابت بر سوگ پدر چنین سرود: «ای دیده بر خزیمه که به روز جنگ فرات به دست احزاب مخالف کشته شد، اشک ببار. ذو‌شهادتین را ستمگرانه کشتند...» (منقری، ۱۳۷۰، ص ۵۰۲)

از جمله موارد حضور زنان در عرصه فرهنگی، روایات آنان در ارتباط با جایگاه و منزلت امام یا روایتی که از خود امام شنیدند، می‌توان مشاهده کرد، از جمله معاذیه عدویه دختر عبدالله (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۵۲) یکی از زنان راوی حدیث (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۹۷ و ص ۹۹؛ بسوی، ۱۴۰۱، ص ۷۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۳۷۹؛ صالحی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۳۵). ام‌موسی نیز از دیگر زنانی است که در ارتباط با فضایل امام (ع) روایاتی را نقل می‌کند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۴۵۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۹ و ۳۵۹). ام‌موسی اهل کوفه و خدمتکار امام بود و سخنان ام‌کلثوم با امام در شب شهادت ایشان را از زبان دختر امام نقل کرده است. (مفید، ۱۳۴۶، ص ۱۳)

نتیجه

مطالعه کتب صدر اسلام، در ارتباط با بررسی عرصه های حضور زنان در دوران حکومت امام علی علیه السلام بیانگر آن است که زن مسلمان در عصر نبوی در عرصه های مختلف علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی حضور داشته و این حضور نیز مورد تأیید رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. در عصر علوی نیز حضرت علی علیه السلام توانست با فاصله ای که با خلافت خلفای سه گانه و دور شدن از سیره نبوی در ارتباط با زنان و حضور آنان در عرصه های مختلف به وجود آمده بود، زنان را تا مرحله هدایت سیاسی، تحلیل حوادث، تبیین اهداف دشمن و... پیش ببرد. حضور زنان به اندازه ای جدی بود که معاویه بعد از به قدرت رسیدن، آنان را به شام فرا خواند و به تهدید و سرزنش آنان پرداخت. در پایان باید به این نکته اشاره داشت که حضور اجتماعی نه بدان معنا که زنان باید در همه عرصه ها حضور داشته باشند؛ بلکه این حضور باید جهت دهی شود؛ آن گونه که با خلقت و آفرینش او همسو باشد و افزون بر مدیریت خانه و تربیت و پرورش فرزندان، کارهای فرهنگی، اصلاح جامعه نیز در حوزه کاری آنان قرار گیرد.

۱۱۰

نامه جامعه

فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی - سال سیزدهم - شماره ۱۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست منابع

أ. كتب

۱. آگ برن و نیم کوف، *زمینه جامعه شناسی*، اقتباس: ا. ج. آریان پور، چاپ دهم، شهرک سهامی کتاب های جیبی، تهران، فرنگلین، ۱۹۴۰.
۲. آلوسی، محمود، *بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب*، تصحیح: محمد بهجة الاثری، دارالکتب الحدیثه، چاپ سوم، بی تا.
۳. ابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، *شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*، دار احیاء الکتب المدرسیه، بی تا.
۴. _____، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربی، قاهره، ۱۹۶۱ م.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، *الکامل*، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیل، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۷۱.
۶. _____، *اسد الغابه فی معرفة الصحابة*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن اعثم کوفی، *الفتوح*، ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق: غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۲.
۸. ابن الدمشقی، شمس الدین محمد بن احمد، *جواهر المطالب فی مناقب الامام علی علیه السلام*، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق.
۹. ابن المبارک، عبدالله، *مسند ابن المبارک*، تحقیق: مصطفی عثمان محمد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. ابن حیان، محمد، *صحیح ابن حیان*، تحقیق: شعیب الارنؤوط، موسسه الرساله، بی جا، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. ابن صباغ، علی بن محمد، *الفصول المهمه فی معرفة الاثمه*، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق: علی محمد البجاوی، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. ابن عقده الکوفی، *فضایل امیر المؤمنین علیه السلام*، تحقیق و تجمیع عبدالرزق محمد حسین فیض الدین، بی جا، بی تا.
۱۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *الامامة والسیاسة المعروف بتاريخ الخلفاء*، تحقیق: علی شیری، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة والنهاية*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. ابن کرامه، *شرف الدین، تنبه الغافلین عن فضایل الطالبین*، تحقیق: تحسین آل سبب، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. ابن هشام، محمد بن عبدالملک، *السيرة النبوية*، تحقیق: مصطفی السقاء، افست مکتبه الصدر، تهران، بی تا.
۱۸. ابن ابی الدنیا، *مکارم الاخلاق*، تحقیق: مجیدی السید ابراهیم، مکتبه القرآن للطبع والنشر والتوزیع، القاهرة، بی تا.
۱۹. ابن ابی العاصم، *کتاب الاوائل*، تحقیق: محمد بن ناصر العجمی، دارالخلفاء للکتاب الاسلامی، الکویت، بی تا.
۲۰. ابن العماد، شهاب الدین، *شذورات الذهب فی اخبار من ذهب*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فی تمیز الصحابه*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۲۲. ابن سعد، محمد بن منیع، **الطبقات الكبرى**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۲۳. ابن طیفور، ابی الفضل بن ابی طاهر، **بلاغات النساء**، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا.
۲۴. ابن عاصم، عمرو بن عاصم، **الاوائل**، تحقیق: محمد ناصرالدین الالبانی، المکتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۲۵. ابن عساکر، علی بن هبه الله، **تاریخ دمشق**، تحقیق: علی شیری، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۶. _____، _____، محقق: عمرو بن غرامه العمروی، دارالفکر للطباعة و النشر، بیروت، بی تا.
۲۷. _____، _____، ترجمه الامام الحسین، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، مجمع احیاء الثقافۃ الاسلامیة، ۱۴۱۴ق.
۲۸. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، **السیرة النبویة**، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الانباری و عبدالحفیظ شبلی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۲۹. ابی مخنف، لوط بن یحیی، **مقتل الحسین**، تحقیق: میرزا حسن الغفاری، مکتبه العلمیة، قم، ۱۳۹۸.
۳۰. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمۃ فی معرفة الاثمة**، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۳۱. اصفهانی، علی بن الحسین، **مقاتل الطالبین**، تحقیق: کاظم المظفر، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، قم، ۱۳۸۵.
۳۲. امین، محسن، **اعیان الشیعة**، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، بی تا.
۳۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، **التاریخ الکبیر**، المکتبه الاسلامیة، ترکیا، بی تا.
۳۴. _____، **صحیح البخاری**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۳۵. بروس کوئن، **مبانی جامعہ شناسی**، ترجمه و اقتباس توسلی. رضا فاضل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها «سمت»، تهران، ۱۳۷۲.
۳۶. بسوی، یعقوب بن سفیان، **المعرفة و التاریخ**، تحقیق: اکرم ضیاء العمری، چاپ دوم، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۳۷. بلاذری، احمد بن یحیی، **فتوح البلدان**، مکتبه النهضة المصریة، قاهره، ۱۹۵۶م.
۳۸. _____، **کتاب الجمل من انساب الاشراف**، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۳۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، **دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعه**، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۴۰. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، **الغارات**، ترجمه: عزیزالله عطاری، انتشارات عطارد، بی جا، ۱۳۷۳.
۴۱. _____، _____، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۳.
۴۲. جوهری، احمد بن عبدالغدير، **السقیفة و فدک**، تحقیق: محمد هادی الامینی، شرکة المکتبی، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۴۳. حسنی، سید الطاووس، **الطرائف**، خیام، قم، ۱۳۷۱ش.
۴۴. حمیدی، عبدالله بن الزبیر، **مسند الحمیدی**، تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۴۵. حمیری، علی بن محمد، **جزء الحمیری**، تحقیق: ابوطاهر زبیر بن احمد علیزهی، دارالطحاوی، الریاض، ۱۴۱۳ق.
۴۶. خوارزمی، الموفق بن احمد، **المناقب**، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۴ق.

۴۷. دینوری، احمد بن داود، **اخبار الطوال**، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، نشرنی، تهران، ۱۳۷۱.
۴۸. ذهبی، ابوعبدالله شمس الدین، **تذکره الحفاظ**، الناشر مكتبة الحرم المکی، بی‌تا.
۴۹. زکریا، احمد بن فارس، **معجم مقایس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مكتبة الاعلام الاسلامی، بی‌جا، ۱۴۰۴ق.
۵۰. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور**، ناشر: دارالمعرفة، بی‌تا.
۵۱. شافعی، محمد بن طلحه، **مطالب السوول فی مناقب آل الرسول (ع)**، تحقیق: ماجد ابن احمد العطیه، بی‌جا، بی‌تا.
۵۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف، **سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد**، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵۳. صدوق، محمد بن علی، **الامالی**، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۷ق.
۵۴. _____، **التوحید**، تحقیق: السید هاشم الحسینی الطهرانی، جماعة المدرسین، قم، ۱۳۸۷ق.
۵۵. _____، **کمال الدین و تمام النعمه**، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسس النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۰۵ق.
۵۶. صدوق، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعة المدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
۵۷. صلیبی، ژانست، **فرهنگ توصیفی روانشناسی اجتماعی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
۵۸. صنعانی، عبدالرزاق، **المصنف**، بی‌جا، بی‌تا.
۵۹. ضبی، عباس بن بکار، **اخبار الوفاة من النساء علی معاویه بن ابی سفیان**، تحقیق: سکینه الشهابی، دارالنشر موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۶۰. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم، بی‌تا.
۶۱. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، تحقیق: محمد باقر خراسان، دارالنعمان، بی‌جا، بی‌تا.
۶۲. طبری، محمد ابن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۶۳. _____، **المنتخب من ذیل المذیل**، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی‌تا.
۶۴. _____، **دلائل الامامه**، بعثت، قم، ۱۴۱۳ق.
۶۵. طبری، محمد بن جریر، **التاریخ الطبری**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث، بیروت، بی‌تا.
۶۶. طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، دارالثقافة للطباعة والنشر، قم، ۱۴۱۴ق.
۶۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، تحقیق: حمدي عبدالمجید السلفی، داراحیاء التراث العربی، قاهره، بی‌تا.
۶۸. عبدالعزيز سالم، **تاریخ عرب قبل از اسلام**، ترجمه: باقر صدری نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌تا.
۶۹. عقیلی، محمد بن عمرو، **ضعفاء العقیلى**، تحقیق: عبدالمعطی امین قلجی، دارالکتب الاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۷۰. فراهیدی، خلیل، **کتاب العین**، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، موسسه دارالهجرة، بی‌جا، ۱۴۰۹ق.
۷۱. مبرد، محمدبن یزید، **الکامل فی اللغة والادب**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ سوم، دارالفکرالعربی، القاهرة، ۱۴۱۷ق.
۷۲. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، موسسه وفاء، بیروت، بی‌تا.
۷۳. محاملی، حسین بن اسماعیل، **امالی المحاملی**، تحقیق: ابراهیم القیسی، دارابن القیم، الاردن، ۱۴۱۲ق.
۷۴. محمد الحسون و ام علی مشکور، **اعلام النساء المؤمنات**، اسوه، قم، ۱۴۱۱ق.
۷۵. مسعودی، علی بن الحسین، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۴.
۷۶. مفید، محمدبن نعمان، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۴۶.
۷۷. _____، **الامالی**، تحقیق: حسین استاد ولی علی اکبر غفاری، قم جماعة المدرسين فی الحوزة، بی‌تا.
۷۸. _____، **الجمال**، قم، مکتبه الداوری، بی‌تا.
۷۹. _____، **الکافیه**، تحقیق: علی اکبر زمانی نژاد، دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸۰. مقدسی، مطهر بن طاهر، **البداء و التاریخ**، بورسعید، مکتبه الثقافه الدینیة، بی‌تا.
۸۱. منقری، نصر بن مزاحم، **بیکار صفین**، مترجم: پرویز اتاکی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۸۲. نسائی، احمد بن شعیب، **السنن الکبری**، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری و سیدکسروی حسن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۸۳. نسایی، احمد بن شعیب، **خصائص امیرالمومنین**، تحقیق: محمد هادی امینی، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، بی‌تا.
۸۴. نیشابوری، محمد بن حاکم، **المستدرک الحاکم**، تحقیق: یوسف مرعشی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۸۵. همدانی، احمد الرحمن، **الامام علی بن ابی طالب**، چاپ دوم، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۴۱۹ق.
۸۶. واقدی، محمد بن عمر، **مغازی**، تحقیق: مارسدس جونس، چاپ سوم، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۸۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، **التاریخ الیعقوبی**، دارصادر، بیروت، بی‌تا.
۸۸. _____، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۱.
- ب:
۸۹. آئینه‌وند، صادق، «زنان در نخستین سده‌های اسلامی»، **پژوهش زنان**، دوره ی سوم، شماره سوم، پاییز، ۱۳۸۳.